

دوفصلنامه ادبیات پهلوانی، دانشگاه لرستان
سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

تحلیل عناصر حماسه دینی لیل‌المبیت در دو منظومه کودکانه

پیام فروغی‌راد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶

رامین فروغی‌راد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

سمیرا شفیعی^۳

چکیده

بازآفرینی داستان رشادت و دلاوری‌های بزرگان دین، به شکل منظوم، می‌تواند نقش به‌سزایی در الگوسازی و قهرمان‌پروری برای کودکان داشته باشد و آن‌ها را به شناخت بیشتر بزرگان دین سوق دهد؛ لذا نگارندگان، در این پژوهش می‌کوشند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، دو منظومه کودکانه دینی «یک آینه، یک خنجر» اثر محمدکاظم مزینانی و «او برادر من است» اثر جعفر ابراهیمی را از دیدگاه عناصر حماسی بررسی کنند. در این منظومه‌ها - که روح حماسی بر داستان غالب است - رشادت و ازجان‌گذشتگی حضرت علی (ع) در ماجرای لیل‌المبیت برای کودکان به تصویر کشیده شده است. در هر دو منظومه یادشده، عناصر و ویژگی‌های حماسه؛ از قبیل: قهرمان و صدق‌قهرمان، کتمان نام، مکر و حيله، ابزارآلات جنگی، امور خارق‌عادت و پیشگویی مشهود است. شاعران هر دو منظومه، برای سهولت درک معنی، از وزن جویباری استفاده کرده و از واژگان و ترکیباتی متناسب با فهم کودکان بهره‌جسته‌اند. در واقع، در هر دو اثر حماسی، بر اساس مقتضای حال مخاطب سخن گفته شده است.

واژگان کلیدی: حضرت علی (ع)، حماسه دینی، لیل‌المبیت، شعر کودک، ابراهیمی، مزینانی.

۱. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، foroghiraad@uma.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه محقق اردبیلی، moharami@uma.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، Shafiee.mjs@gmail.com

۱- مقدمه

حماسه دینی، گونه‌ای از شعر حماسی است که در آن، به وصف دلاوری‌ها و پهلوانی‌های شخصیت‌های دینی برای پاسداری از آیین مقدس و حفظ ارزش‌های دینی پرداخته می‌شود و قهرمان داستان، علاوه بر رشادت‌ها و دلاوری‌ها، نمودار فضایل انسانی است. در این نوع حماسه‌ها، «مشکلات و مصائب قهرمانان و بزرگانی به تصویر کشیده می‌شود که فداکاری آن‌ها نقش به‌سزایی در تکوین و ریشه‌دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است» (قاسم‌زاده و عارفی، ۱۳۹۱: ۳۴۵). حماسه‌های دینی از سویی با حماسه‌های تاریخی در ارتباطند و از سویی دیگر، همچون حماسه‌های اساطیری، در باور معتقدانش، جنبه قدسی دارند؛ به بیانی دیگر:

«این نوع از حماسه، در میان حماسه‌های اسطوره‌ای و تاریخی جای گرفته است و به شیوه‌ای اسطوره‌ای شده‌اند؛ ولی هنوز زمینه‌ها و خاستگاه‌های تاریخی‌شان را از دست نداده‌اند و چهره‌ها، رویدادها، سرزمین‌ها، با اینکه تاریخی هستند، نمودی افسانه‌رنگ و نمادین و اسطوره‌ای یافته‌اند» (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۹۴).

علاوه بر حماسه «یادگار زیریران» که به‌عنوان نخستین اثر حماسه دینی از آن یاد می‌شود، منظومه علی‌نامه نخستین منظومه ادبی شیعه دوازده‌امامی است که شاعری به نام ربیع آن را در قرن پنجم سروده است و پس از آن، آثار حماسی دیگری؛ از قبیل: خاوران‌نامه ابن‌حسام، حمله حیدری باذل مشهدی، خداوندنامه فتحعلی‌خان صبا و شاهنامه حیرتی تونی درباره رشادت، پهلوانی و دلاوری‌های حضرت علی (ع) برای مخاطبان بزرگسال سروده شده‌اند.

با وجود اینکه برخی از متون ادبی گذشته؛ همچون کلیله و دمنه برای کودکان نیز خوانده می‌شد، در گذشته، حماسه - به‌طور عام - و حماسه‌های منظوم دینی - به‌طور خاص - نتوانسته بود در نزد کودکان جایگاهی داشته باشد؛ اما از آنجایی که بزرگداشت و یادکرد

بزرگان دینی برای کودکان از اهمیت فراوانی برخوردار است، شاعران شعر کودک، در آثار خود به آن پرداخته‌اند و علاوه بر تقویت اندیشه‌های دینی کودک، سعی کرده‌اند الگوها و قهرمانان زندگی کودکان را از بین بزرگان دینی انتخاب کنند و به‌طور غیرمستقیم، به تربیت دینی کودکان بپردازند. اشعار دینی را با زبان کودکان سروده‌اند و با استفاده از این روش، در تعلیم اندیشه‌های دینی به کودکان سعی کرده‌اند.

حضرت علی (ع)، به‌عنوان اولین امام شیعیان و به دلیل رشادت‌ها و پهلوانی‌هایش، همواره در نزد شاعران کودک و نوجوان، جایگاه والایی دارد و شاعران کودک به مدح و ذکر فضایل اخلاقی، رشادت و پهلوانی‌های او پرداخته‌اند. در بین این اشعار، دو منظومه شعری «یک آینه، یک خنجر» اثر محمدکاظم مزینانی و «او برادر من است» اثر جعفر ابراهیمی، از اهمیت خاصی برخوردارند. در این دو اثر، ماجرای از جان گذشتگی و رشادت حضرت علی (ع) در لیل‌المبیت، در قالب شعر برای کودکان بازآفرینی شده است که می‌توان هر دو اثر را حماسه دینی نامید؛ چرا که «لازمه یک منظومه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست؛ بلکه منظومه حماسی کامل آن است که در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های شخص، نماینده عقاید، آراء و تمدن قوم نیز باشد.» (صفا، ۱۳۵۲: ۱۸)؛ بنابراین جامعه آماری یادشده، دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یک متن حماسی است که نگارندگان را بر آن داشت تا با بررسی و تحقیق بیشتر، مؤلفه‌های حماسی آثار موردنظر را مورد بررسی قرار دهند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

در مورد حماسه‌های دینی و نقش آن در ادبیات فارسی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ اما در مورد بازتاب این نوع حماسه در ادبیات کودک و نوجوان کار خاصی صورت نگرفته

است؛ البته سیدعلی کاشفی خوانساری در فصل دوم کتاب «تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان» (۱۳۸۷)، به موضوع حماسه‌های دینی برای کودکان و نوجوانان، دلایل عدم توجه به حماسه‌ها در ادبیات کودک و کاربردهای حماسه‌های دینی برای کودکان و نوجوانان پرداخته است؛ همچنین، وی در مقاله «مولای دیروز و هر روز؛ بحثی در حماسه‌های دینی درباره علی (ع) برای کودکان و نوجوانان» (۱۳۷۹)، با آسیب‌شناسی و بررسی جایگاه حماسی دینی در ادبیات کودک و نوجوان، به ضرورت پرداختن به حماسه‌های دینی در قصه و شعر کودک اشاره کرده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- لیل‌المیت

پس از عهد و پیمان عقبه دوم، دین اسلام در مدینه پیشرفت فراوانی یافت و در سایه‌سار دین اسلام، اختلافات قومی و قبیله‌ای؛ از جمله درگیری دو قبیله اوس و خزرج پایان یافت و جای خود را به برادری و همزیستی داد و مدینه بهترین پناهگاه برای مسلمانان مکه شد که گرفتار ملامت و استهزا و شکنجه بودند (صفایی حایری قمی، ۱۳۷۹: ۳۴۶). مسلمانان مکه که از آزار مشرکان به تنگ آمده بودند، از حضرت رسول (ص) راه چاره خواستند. آنگاه جبرئیل نازل شد و پیام آورد که بهترین راه نجات، هجرت به سرزمین یثرب است و حضرت رسول، دستور هجرت را صادر کردند (فیض‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱). مسلمانان، به تدریج، از مکه خارج شدند و به یثرب رفتند. در این هنگام مشرکان قریش در دارالندوه جمع شدند و تصمیم بر قتل پیامبر (ص) گرفتند؛ زیرا می‌دانستند که اگر رسول اکرم (ص) به مکه برسد، با تشکیل حکومت اسلامی، بنیان بت‌پرستی را در هم می‌کوبد. به دنبال تصمیم قریش بر قتل پیامبر اکرم، آیه شریفه «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ

يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال / ۳۰) بر پیامبر نازل شد و او را از نقشه مشركان آگاه ساخت. پیامبر اكرم در شب اول ربيع الاول، نقشه و توطئه مشركان را با حضرت علی (ع) در میان گذاشت و از ایشان خواست كه در بستر او بخوابد و پیامبر شبانه از غار ثور مهاجرت كند. حضرت علی (ع) با از جان گذشتگی و فداکاری در راه دین، این پیشنهاد را پذیرفت و در بستر پیامبر (ص) خوابید كه آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / ۲۰۷) در شأن این فداکاری و از جان گذشتگی حضرت علی (ع) نازل شد. پیامبر، شبانه، به دور از چشم كافران، از مكه خارج شد؛ همان گونه كه در آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (یس / ۹) به آن اشاره شده است.

از جان گذشتگی و شجاعت حضرت علی (ع) در ليله المبيت، علاوه بر منابع دینی شیعه، در كتب اخبار و تاریخ اهل تسنن؛ از قبیل: مستدرک حاكم نیشابوری، مسند احمد حنبل، تاریخ بغداد، اسدالغابه ابن اثیر و كنوزالحقایق مناوی ذكر شده است و همگی بر شجاعت و فداکاری ایشان اذعان کرده اند.

۲-۲- بررسی ویژگی های حماسی در دو اثر

۲-۲-۱- براعت استهلال

براعت استهلال، از اصطلاحات مربوط به علوم بلاغی است كه زیبایی و ارزش هنری شعر را افزایش می دهد و با استفاده از توصیف های زیبا، مقدمه چینی و زمینه سازی، مخاطب را برای شنیدن داستان آماده می كند. در تعریف براعت استهلال چنین گفته اند:

«بین مقدمه اثری با موضوع آن تناسب معنایی اجمال و تفصیل باشد؛ یعنی از مقدمه مختصر، جو کلی كتاب یا موضوع آن آشكار گردد. این امر به كمك استعمال لغات خاص

علم یا مطلبی که کتاب درباره آن است و یا با اشاره به سرنوشت قهرمان داستان در مقدمه تحقیق می‌پذیرد» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۹۲).

نمونه‌های زیبای براعت استهلال در ادبیات منظوم فارسی را می‌توان در حماسه‌ها، به‌ویژه در شاهنامه فردوسی پیدا کرد. فردوسی در آغاز برخی از داستان‌های تراژیک شاهنامه، به فضای کلی داستان اشاره کرده و ذهن مخاطب را برای دریافت جزئیات داستان آماده ساخته است؛ به طوری که خواننده می‌تواند فرجام داستان را حدس بزند؛ مثلاً در ابتدای داستان رستم و اسفندیار چنین گفته است:

به پالیز بلبل بنالد همی	گل از ناله او ببالد همی
چو از ابر بیند همی باد و نم	ندانم که نرگس چرا شد دژم
شب تیره بلبل بخسبد همی	گل از باد و باران بجنبد همی
بخندد همی بلبل از هردوان	چو بر گل نشیند گشاید زبان
ندانم که عاشق گل آمد گر ابر	که از ابر بینم خروش هزبر
بدرّد همی پیش پیراهنش	درخشان شود آتش اندر تنش
به عشق هوا بر زمین شد گوا	به نزدیک خورشید فرمانروا
که داند که بلبل چه گوید همی؟	به زیر گل اندر چه موید همی؟
نگه کن سحرگاه تا بشنوی	ز بلبل سخن گفتن پهلوی
همی نالد از مرگ اسفندیار	ندارد بجز ناله زو یادگار
چو آواز رستم، شب تیره ابر	بدرّد دل پیل و چنگ هزبر

(فردوسی، ۱۳۸۸، جلد ۶: ۲۱۶)

در شعر بالا، توصیف فضای غمگینانه و ملتهب فصل بهار، وصف ناله بلبل، دژم‌بودن نرگس، خروش و از هم دریدن ابرها و... نشان از رویدادی ناگوار دارد که در بیت آخر براعت استهلال به آن اشاره شده است.

براعت استهلال، باعث آشنایی مقدماتی کودک پیش از خواندن داستان و همچنین درک آسان آن می‌شود؛ لذا مزینانی در ابتدای منظومه «یک آینه، ده خنجر»، با استفاده از براعت استهلال و به کار بردن عباراتی همچون: «شب»، «دشمن»، «خنجر»، «خانه پیغمبر» فضای کلی ماجرا را برای کودکان مطرح کرده است و با مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی، ذهن آن‌ها را به شنیدن داستان آماده کرده است.

شب، یک شب بی‌مهتاب / او آینه‌ای روشن / یک خانه پر از خوبی / یک خانه پر از دشمن / یک آینه، یک آیه / ده خنده و ده خنجر / آن آینه خوابیده / در خانه پیغمبر (مزینانی، ۱۳۸۷)

البته به کار بردن عباراتی از قبیل: «مهتاب»، «پر از خوبی»، «آینه» و «آیه» به جهت زیبایی هنری و بلاغی است که در اغلب براعت استهلال‌ها دیده می‌شود.

۲-۲-۲- ظهور دشمنان

از مهم‌ترین علل به وجود آمدن حماسه‌های دینی، وجود دشمنان و مخالفانی است که آیین حق در تضاد با باورها و منافع آن‌هاست (قاسم‌زاده و حسام عارفی، ۱۳۹۱: ۳۴۹). به دلیل این که کفار، دین نوظهور اسلام را در تضاد با بت‌پرستی می‌دیدند، به مخالفت و دشمنی با پیامبر (ص) پرداختند. با استناد به آیه‌هایی از قبیل «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر / ۶)، «وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَوَا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ» (صافات / ۳۶) و «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ» (انبیاء / ۵) از آنجایی که

کفار کیش خود را در خطر دیدند، به پیامبر (ص) تهمت شاعری و دیوانگی زدند و دشمنی خود را آشکار کردند و به این ترتیب، در صدد قتل ایشان برآمدند:

یک حادثه پنهان بود/ در پیچ دشمن‌ها/ باید بُگشیم او را / در خانه خود تنها/ رفتار محمد هست/ جادوگری و نیرنگ/ او هر سخنش جادوست/ زیبا و چه خوش‌آهنگ/ او گفته که هم کورند/ هم لال و کر، این بت‌ها/ زشت است اگر باشد/ یک سنگ خدای ما/ این مرد -محمد- هست/ یک شاعر دیوانه/ باید که شود رانده/ از خانه و کاشانه/ دیروز به ما می‌گفت/ من مثل شما هستم/ پیغامبری ساده/ از سوی خدا هستم/ او کیست مگر؟ ساحر/ یا شاعر شوریده/ انگار که رؤیایی/ در غار حرا دیده (مزینانی، ۱۳۸۷).

۲-۳-۲- قهرمان و ضدقهرمان

در حماسه‌ها، قهرمان یا قهرمانان در مقابل ضدقهرمان یا ضدقهرمانان قرار می‌گیرند و از باورها و ارزش‌های دینی، ملی و قومی دفاع می‌کنند؛ همچنین، نماینده توده مردم هستند. در حماسه لیل‌المبیت، دو قهرمان وجود دارد؛ از سویی پیامبر (ص)، در جهت تبلیغ و تقویت دین اسلام تلاش می‌کند و مورد غضب کفار واقع می‌شود و در نهایت، با گستراندن دین اسلام، بر دشمنان پیروز می‌شود و از سویی دیگر، قهرمان اصلی این حماسه، حضرت علی (ع) است که با رشادت و از جان گذشتگی در بستر پیامبر خوابید و در برابر کفار ایستادگی کرد. در مقابل این دو قهرمان، ابوجهل و گروه کفار ضدقهرمان هستند که برای مقابله با دین اسلام، نقشه به شهادت رساندن پیامبر را در سر دارند و در نهایت شکست می‌خورند و بدین ترتیب خیر بر شر غلبه می‌کند.

۴-۲-۲- کتمان نام و هویت

نام و هویت در حماسه‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. «از اعتقادات جادویی اقوام کهن که در اساطیر و حماسه‌های کهن متجلی شده است، این بود که اسم معرف کامل مسمی است (نام عین ذات است) و اگر کسی اسم کسی را بداند به معنی این است که او را به درستی می‌شناسد و لذا بر او احاطه و تسلط می‌یابد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۶). به همین دلیل، مبارزان سعی می‌کردند نام و هویت خود را پنهان کنند. در ماجرای لیل‌المبیت، از دو سو کتمان نام و هویت به چشم می‌خورد: از سویی حضرت علی (ع) با خوابیدن در بستر پیامبر (ص) به کتمان هویت پیامبر پرداخت تا دشمنان بر ایشان احاطه نیابند؛ و از سویی دیگر، تصمیم گرفتند به صورت ناشناس بر خانهٔ پیامبر حمله کنند. کتمان نام و ناشناس ماندن کفار، به این دلیل بود که در صورت به شهادت رساندن پیامبر (ص)، قاتل یا قاتلین شناخته نشوند؛ لذا از هر طایفه‌ای یک نفر را برگزیدند و به صورت ناشناس بر خانهٔ پیامبر یورش آوردند که پنهان نگاه‌داشتن هویتشان نوعی نیرنگ به شمار می‌آید (سرامی، ۱۳۷۳: ۴۷۳).

آری بکشید او را/ هر طایفه‌ای یک تن/ این گونه نمی‌گردند/ این طایفه‌ها دشمن /.../ در خانه به او باید/ ناگاه هجوم آورد/ ما نیمه‌شب آنجاییم/ ده طایفه، ده تا مرد (مزینانی، ۱۳۸۷).

۴-۲-۵- مکر و حيله

حيله و مکر از ابزارهای جنگ و ویژگی‌های حماسه است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۸۳). در داستان‌های حماسی مکر و حيله به دو نوع است: ۱- حيله و مکرهای منفی که از سوی ضدقهرمان و گروه شرّ به کار گرفته می‌شود و علت آن، ضعف و زبونی است. ۲- حيله و نیرنگ‌هایی که مثبت هستند و قهرمانان حماسه‌ها برای تدبیر و چاره‌گری از آن بهره می‌گیرند (رضایی،

۱۳۸۹: ۹). در ماجرای لیل‌المبیت، هر دو نوع مکر دیده می‌شود. از سویی، کفار برای کشتن پیامبر (ص) و از بین بردن دین مبین اسلام، مکر و حیلۀ منفی به کار بردند؛ لذا از هر طایفه‌ای یک نفر برگزیدند و برای اجرای اهداف خود، شبانه به خانه پیامبر حمله کردند: می‌ریخت روزها غم/ از آسمان مکه/ در فکر حیلۀ بودند/ شب‌ها سران مکه/ یک شب سران مکه/ در خانه‌ای نشستند/ در کشتن پیامبر/ با حیلۀ عهد بستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶). و از سویی دیگر، خداوند به واسطۀ نیروهای غیبی، پیامبر را از توطئه دشمنان آگاه ساخت؛ لذا پیامبر (ص) با آگاهی از مکر دشمنان، نیرنگی مثبت برای خشی‌سازی توطئه و مکر دشمنان به کار برد و با به کار بردن ترفند (پیشنهاد خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر و قبول این پیشنهاد از سوی حضرت علی (ع) نیرنگ به کار برد: پیغمبر خدا هم/ یک نقشه داشت در سر/ دانسته بود جایش/ در مکه نیست دیگر (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

در سورۀ انفال، به هر دو مکاری که در ماجرای لیل‌المبیت به کار رفته، اشاره شده است: «وَ إِذِ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال/ ۳۰).

۲-۲-۶- فداکاری در راه دین با وجود آگاهی از پیامدهای نامطلوب آن

پهلوانان و قهرمانان حماسی، با وجود آگاهی از پیامدهای نامطلوب احتمالی در جنگ و آسیب‌های ناشی از آن، جنگ را می‌پذیرند و در راه حفظ ارزش‌های دینی، جان خود را به خطر می‌اندازند. در ماجرای لیل‌المبیت، حضرت علی (ع)، با وجود آگاهی از خطرات احتمالی حمله کفار، پیشنهاد خوابیدن در بستر پیامبر (ص) را پذیرفت و با این عمل، رشادت و از جان گذشتگی خود را در راه دین نشان داد:

از ماجرا، پیامبر/ آگاه کرد علی را: / قصد هلاک من را/ دارند امشب آن‌ها/ باید کسی به
جایم/ در بستم بخوابد/ تا لحظه‌ای که خورشید/ از آسمان بتابد/ پیغمبر این سخن را/ وقتی
که با علی گفت/ خفتن به جای او را/ آن شب علی پذیرفت/ آن روز رفت و کم‌کم/ تاریکی
شب آمد/ شب آمد و علی خفت/ در بستر پیامبر (ص) (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

حضرت علی (ع)، با پذیرش این پیشنهاد، بر حقانیت رسالت پیامبری حضرت محمد
(ص) تأکید ورزید و نشان داد که در راه این اعتقاد تا پای جان مقاومت می‌کند:
چون دشمن ستمگر/ از نقشه بی‌خبر بود/ جان علی در آن شب/ هر لحظه در خطر بود/
در رختخواب علی ماند/ بیدار تا سحرگاه/ بیرون خانه پیچید/ فرمان حمله ناگاه (ابراهیمی،
۱۳۸۶).

۷-۲-۲- شجاعت

در حماسه، دلاوری قهرمان داستان و شجاعت او در برابر دشمنان توصیف می‌شود که
حماسه بر پایه آن شکل می‌گیرد. در ماجرای ليله المبيت، شجاعت‌های حضرت علی (ع)
ستودنی است. از سویی، بدون درنگ می‌پذیرد که جان خود را در معرض خطر قرار دهد و
از سویی دیگر، هنگامی که با کفار روبه‌رو شد، با شجاعت رفتار کرد:

ناگاه علی برخاست/ رعدی شد و زد فریاد/ ده مرد همه لرزان/ چون برگ خزان در باد/
شمشیر علی روید/ در خانه پیغمبر/ مردان همه دررفتند/ از پنجره و از در (مزینانی، ۱۳۸۷).
ابراهیمی در شعر خود، از «خنده حضرت علی (ع)» سخن گفته که این خنده، نشان از
شجاعت و عدم ترس از دشمنان است:

یکباره جنگجویان/ چون گرگ‌ها رسیدند/ جای محمد او را/ در رختخواب دیدند/ با خشم گفت یک مرد: پس این پیامبر کو؟/ با خنده‌ای علی گفت: / ردی ندارم از او (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

۲-۲-۸- ابزارآلات جنگی

در جنگ‌های حماسی، مخصوصاً در نبردهای تن‌به‌تن، از انواع و اقسام سلاح؛ مانند: گرز، شمشیر، خنجر و... استفاده می‌شود و گاه پهلوانان، وقتی همهٔ سلاح‌ها را به کار بردند و بعضی‌ها را خُرد و ناچیز نمودند، از اسب فرو می‌آیند و به کشتی دست می‌زنند (صفا، ۱۳۵۲: ۲۳۲). در دو منظومهٔ مورد پژوهش، از جنگ‌افزارهایی؛ همچون شمشیر و خنجر نام برده شده و با صفت‌هایی همچون برّندگی و زهرآگینی توصیف شده‌اند:

یک آینه، یک آیه/ ده خنده و ده خنجر/ آن آینه خوابیده/ در خانهٔ پیغمبر (مزینانی، ۱۳۸۷).

چیزی تو بگو بوجهل/ هستی تو عموی او/ آیا بکشیم او را/ شمشیر به روی او؟ (مزینانی، ۱۳۸۷).

یک آینه ده خنجر/ بُرنده و زهرآگین (مزینانی، ۱۳۸۷).

۲-۲-۹- بی‌توجهی به نشانه

در اغلب حماسه‌ها نشانه‌هایی وجود دارد که عدم توجه به آن، باعث شکست می‌شود؛ همان‌گونه که اسفندیار با بی‌توجهی به خوابیدن شتر و دستور بر بردن سر آن، مقدمات شکست خود در برابر رستم را رقم زد:

شتر آن که در پیش بودش بخفت تو گفستی که گشتست با خاک جفت
 همی چوب زد بر سرش ساریان ز رفتن بماند آن زمان کاروان
 جهان‌جوی را آن بد آمد به فال بفرمود کش سر ببرند و یال
 بدان تا بدو بازگردد بدی نباشد بجز فرهٔ ایزدی
 بریدند پرخاش‌جویان سرش بدو بازگشت آن زمان اخترش
 (فردوسی، ۱۳۸۸، جلد ۶: ۲۳۱)

در ماجرای لیل‌المبیت، با وجود این که ردّشناس، با توجه به ردّ پای پیامبر و ابوبکر، اعتقاد بر حضور آن دو در غار داشت، کفّار سخنان او را یاوه خواندند و بدین‌گونه، مقدّمات شکست خود و پیروزی پیامبر (ص) رقم خورد:

یک ردّشناس آمد/ با عده‌ای ز کفّار/ از روی ردّ پا، گفت:/ پنهان شده در این غار/ کفّار
 حرف او را/ یک حرف یاوه خواندند:/ پس این کبوتر و تار/ اینجا چگونه ماندند؟/ از مکه
 تا مدینه/ پیغمبر خدا رفت/ تا جمع دوستانش/ تا شهر آشنا رفت/ دیگر، سران مکه/ ماندند
 و زار و بی‌تاب/ چون نقشه‌هایشان شد/ یکباره نقش بر آب (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

۲-۱۰-۲-۲- امور خارق‌عادت

وقوع رویدادهایی فراتر از درک عقول، حماسه را از حالت طبیعی رخدادها بیرون می‌آورد که باعث هیجان و اعجاب مخاطب می‌شود. خوارق‌عادت در حماسه، نمایشگر روح آرزوپرور و اوج‌گیرنده بشری است که طالب کمال و آزادگی است و برای زنده نگه‌داشتن این هدف، از مرگ نمی‌هراسد و بارها جان خود را به مخاطره می‌اندازد (ستوده، ۱۳۷۴: ۸۵۶). یکی از ویژگی‌های حماسه دینی، حضور نیروهای ماورایی، دخالت مستقیم دست‌های غیبی و به تبع آن، رویداد امور خارق‌عادت برای پیروزی حق بر باطل است.

«امور خارق‌العاده‌ای که در حماسه‌های دینی به چشم می‌خورد، حاصل کرامات و فضایل قهرمان داستان و ارتباط او با درگاه الهی است که با اعتقاد دینی همراه است» (شمشیرگرها، ۱۳۸۷: ۱۸). در ماجرای لیل‌المبیت، با امری مغایر با عادت‌های روزانه مواجه هستیم که جهت کمک به قهرمانان ماجرا اتفاق افتاده است. در این ماجرا، به امر حق تعالی (= نیروی غیبی) تار عنکبوتی دهانه غار را بست و از سوی دیگر، کبوتری بر دهانه آن غار لانه ساخت و از آنجا که این عمل خارج از نظام قاعده‌مند جهان انجام گرفت، کفار حضور پیامبر و ابوبکر را در غار باور نکردند:

پیغمبر و ابوبکر/ پنهان میان یک غار/ سوراخ غار را بست/ یک عنکبوت با تار/ آمد کبوتری هم/ با امر حق تعالی/ او بر دهانه غار/ یک لانه ساخت زیبا/ یک ردشناس آمد/ با عده‌ای ز کفار/ از روی رد پا گفت: پنهان شده در این غار/ کفار حرف او را/ یک حرف یاوه خواندند:/ پس این کبوتر و تار/ اینجا چگونه ماندند؟ (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

۲-۲-۱۱- پیش‌گویی

پیش‌گویی، یکی از ویژگی‌های مهم حماسه است که در اساطیر و داستان‌های حماسی ملل مختلف به چشم می‌خورد و هیچ‌یک از انواع حماسه از آن خالی نیست (صفا، ۱۳۵۲: ۲۴۹). اهمیت پیش‌گویی در این است که اسرار آینده را بر آدمیان آشکار می‌سازد و آن‌ها را به چاره‌گری برمی‌انگیزد (همان: ۲۵۰). در ماجرای لیل‌المبیت، پیش‌گویی از طریق نیروی غیبی الهی رخ داده است؛ این گروه از پیشگویان، به طور طبیعی در دسترس آدمی قرار ندارد و عمل پیش‌گویی بر مجاری عادی و طبیعی نیست (میرزا نیکنام و صرفی، ۱۳۸۱: ۱۶۱). در لیل‌المبیت، نیروی غیبی الهی، با آشکارسازی دسیسه کفار، راه چاره را نشان داد و به این روش، توطئه‌های آن‌ها را خنثی کرد؛ همچنان‌که در آیه شریفه «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

لَيْسَتْوَكَا أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (انفال / ۳۰)، به این رخداد اشاره شده است. در شعر زیر، فعل «دانسته بود» نشانگر این است که نیروی غیبی پیامبر را آگاه ساخته بود:

پیغمبر خدا هم / یک نقشه داشت در سر / دانسته بود جایش / در مکه نیست دیگر (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

جبرئیل نیروی غیبی‌ای بود که پیامبر را از دسیسه کفار آگاه ساخت. در واقع، «جبرئیل، فرشته نگهبان پیامبران، به‌ویژه پیامبر اسلام (ص) و خاندان ایشان به شمار می‌رود؛ زیرا واسطه پیغمبر و خدا بوده و علاوه بر آوردن آیات قرآنی و دستورهای ایزدی برای پیامبر (ص)، پرسش‌های او را از جانب حق نیز پاسخ می‌گفته است؛ همچنین وی واسطه عالم غیب بود تا فرمان خداوند را در زمین اجرا کند» (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۷۲: ۱۰۴). همان‌گونه که در حمله حیدری آمده است:

در این فکر دونان گم‌کرده راه که جبریل آمد ز نزد اله
نبی را از آن راز آگه نمود ز هجرت سوی یثربش ره نمود
بگفتش که ای مقتدای جهان چنین است حکم خدای جهان
که امشب به هنگام خواب از حرم به ره می‌نهی سوی یثرب قدم
(باذل مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۷)

۳- نتیجه‌گیری

رشادت و دلاوری‌های حضرت علی (ع) برای تبلیغ و پاسداشت دین اسلام، همواره آبخور فکری شاعران آیینی و دینی را تشکیل می‌دهد و منظومه‌های حماسی فراوانی در ستایش و وصف دلاوری ایشان سروده شده است. بازتاب دلاوری‌های حضرت علی (ع)

در ادبیات کودک، علاوه بر آشنایی بیشتر کودکان با شخصیت والای ایشان، می‌تواند آن‌ها را در انتخاب الگو و قهرمان زندگیشان راهنمایی کند؛ دو منظومه دینی «یک آینه، یک خنجر» اثر محمدکاظم مزینانی و «او برادر من است» اثر جعفر ابراهیمی در همین راستا سروده شده‌اند و صبغه حماسی این دو منظومه آشکار است. با بررسی این دو منظومه می‌توان گفت:

- هر دو منظومه بر اساس روایات نقل شده در کتب دینی سروده شده است و در اصل ماجرا هیچ‌گونه دخل و تصرف ایجاد نشده است؛ ولی در برخی از موارد، توصیفات فرعی و صور خیال به منظومه‌ها افزوده شده است؛ از این‌رو که برای کودکان دلنشین واقع گردد.
- روح حماسی بر هر دو منظومه غالب است و روحیه ایثار و از خودگذشتگی در راه حفظ ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی و پاسداری از حریم اسلام در این دو منظومه به چشم می‌خورد؛ در واقع، این حماسه، بر پایه دفاع از حریم دین شکل گرفته است.
- عناصر و ویژگی‌های حماسه در این داستان مشهود است. داستان با بראعت استهلال آغاز شده است و عناصر حماسی؛ از قبیل قهرمان و ضدقهرمان، کتمان نام، مکر و حيله، ابزارآلات جنگی، امور خارق‌عادت و پیشگویی در آن به کار رفته است.
- وجود وزن جویباری و تلفیق عناصر دینی و حماسی و بیان آن به زبان کودک، در هر دو اثر مورد پژوهش، موجب سهولت درک معنی از سوی کودک شده است و شعر را برای مخاطبین خردسال دلنشین‌تر کرده است.
- قهرمان حماسه ليله‌المبيت، همچون قهرمانان حماسه ملی، نماینده توده مردم دین‌مدار است که در برابر شرّ ایستادگی می‌کند و در نهایت، بر دشمنان غلبه می‌کند؛ همچنین، قهرمان حماسه، از سوی نیروی غیبی حمایت می‌شود.

- با توجه به مقتضیات سنی کودک، زبان در هر دو منظومه حماسی، زبانی کودکانه است. استفاده از کلمات و ترکیبات ساده، رعایت قواعد همنشینی و جانشینی عبارات و توصیف صحنه‌ها متناسب با داشته‌های ذهنی کودک است.
- در این دو اثر، اگر چه از جنگ و خونریزی سخن به میان نیامده است، با توجه به دلاوری، شجاعت، بروز عقاید دینی و دفاع از آن، می‌توان آن را حماسه دینی نامید.

منابع

کتاب:

- قرآن کریم

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۸۹)، *او برادر من است*، تهران: کتاب‌های بنفشه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). *شاهنامه (نه جلدی)*، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ دهم، تهران: قطره.
- باذل مشهدی، میرزا محمدخان رفیع. (۱۳۸۳)، *حملة حیدری*، چاپ هشتم، تهران: اسلام.
- ستوده، غلامرضا. (۱۳۷۴)، *نمیرم از این پس که من زنده‌ام*، تهران: دانشگاه تهران.
- سرّامی، قدمعلی. (۱۳۷۳)، *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سلطانی گرد فرامرزی، علی. (۱۳۷۲)، *سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران*، چاپ دوم، تهران: مبتکران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۸)، *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۸۳). *انواع ادبی*، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌اله. (۱۳۵۲)، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.

- صفایی حایری قمی، عباس. (۱۳۷۹)، *تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر اکرم (ص)*، قم: چاپ حکمت.
- فیض پور، علی اصغر. (۱۳۷۹)، *تاکتیک های جنگی رسول خدا (ص)*، قم: مدین.
- کاشفی خوانساری، سیدعلی. (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان*، تهران: حوا.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۲)، *رویا، اسطوره، حماسه*، تهران: مرکز.
- مزینانی، محمدکاظم. (۱۳۸۷)، *یک آینه، ده خنجر*، تهران: کتاب های بنفشه.

مقالات:

- شمشیرگرها، محبوبه. (۱۳۸۷)، *بررسی سبک شناسانه حماسه های دینی در ادب فارسی*، فصل نامه اندیشه های ادبی، سال دوم از دوره جدید، شماره چهارم، صص ۳۵-۱۱.
- قاسم زاده، بهجت و فرزاد حسام عارفی. (۱۳۹۱)، *مقایسه جلوه های پایداری در حماسه دینی یادگار زریران و گشتاسب نامه دقیقی*، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره ۵ و ۶، صص ۳۶۲-۳۴۳.
- کاشفی خوانساری، سیدعلی، (۱۳۷۹)، *مولای دیروز و هر روز (بحثی در حماسه های دینی درباره علی (ع) برای کودکان و نوجوانان)*، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۳، صص ۳۸-۳۲.
- میرزا نیکنام، حسین و محمدرضا صرفی. (۱۳۸۱)، *پیشگویی در شاهنامه، مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۲، ص ۱۵۸.



پایان نامه:

- رضایی، زهرا. (۱۳۸۹)، نقش جادو، تدبیر و نیرنگ در سرنوشت قهرمانان داستان‌های حماسی ملی ایران (بر پایه شاهنامه و گرشاسب‌نامه)، مقطع کارشناسی ارشد، استاد راهنما: میرجلیل اکرمی، استاد مشاور: محمدرضا عابدی، دانشگاه تبریز، دانشکده زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.

